

Definite Contract of Acceptance in Endowment in Islamic Jurisprudence and Law with a Comparative Study:

Hamid Reza Behroozizad * 

Ph.D. in private law and visiting assistant professor in the private law department of Usul al-Din Qom faculty. Researcher

Abstract

The principle of satisfaction of contracts is one of the basic principles in Imami jurisprudence and Iranian law, which also has economic aspects. According to this principle, people conclude their contracts based on it. In this article, we have tried to prove that underwriting in the endowment is not only legitimate but also a definite contract. In fact, the difference between a definite contract and an indefinite one is in terms of prevalence and non-prevalence. The prevalence of this contract at the present time can be described as definite. In this case, we will not need other analyzes to justify the legal and jurisprudential nature of the underwriting. We will also move from formalism in contracts to the rule of will. This will be desirable for Imami jurisprudence and Iranian law and the economic view of the law. In fact, this economic view of the will will cause more attention to the contract regardless of its form and economic prosperity based on domestic jurisprudential and legal principles

Keywords: The principle of the rule of will, certain contract, underwriting, endowment, jurisprudence and Iranian law.

* Corresponding Author: Behroozizad_hamidreza@yahoo.com

How to Cite: Behroozizad, H. R. (2022). Definite Contract of Acceptance in Endowment in Islamic Jurisprudence and Law with a Comparative Study: *Private Law Research*, 11(40), 67- 92. doi: 10.22054/JPLR.2023.61381.2578

ادله عقد معین پذیرهنویسی در وقف در فقه و حقوق اسلامی با مطالعه تطبیقی

دکترای حقوق خصوصی و استادیار مدعو گروه حقوق خصوصی دانشکده
اصول الدین قم، قم، ایران

حمیدرضا بهروزی‌زاد * ID

چکیده

نیازهای متنوع بشری باعث شده است که در اعصار و امصار مختلف عقودی بین مردم متداول شود تا پاسخگوی روابط حقوقی بین افراد و اشخاص باشد. یکی از این عقود پذیرهنویسی در وقف می باشد که در عصر معاصر در شهرهای مذهبی بسیار رواج دارد در این مقاله به روش کتابخانه ای ادله اینکه این عقد جزو عقود معین- و نه نامعین- می باشد را بیان نموده و این تلقی مشهور را که ملاک معین بودن این است که در قانون یا در فقه نامگذاری و آثار آن بیان شده است براساس غلبه می باشد و اگر عقدی نام مشخص، احکام مشخص، اقتضای خاص خود را داشته باشد عقد معین محسوب می شود. پذیرهنویسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و هم دارای عنوان مشخص، احکام مشخص، و مقتضای خاص خود می باشد. اگر این تحلیل پذیرفته شود دیگر نیاز نخواهد بود که در مورد هر عقد مستحدثه به دنبال توجیه ماهیت حقوقی آن باشیم و فقط باید بررسی نماییم که آیا این عقد ارکان سه گانه معین شدن را دارد یا خیر؟ که در مورد پذیرهنویسی این ارکان ثلاثه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اصل حاکمیت اراده، عقد معین، پذیرهنویسی، وقف، فقه و حقوق ایران.

مقدمه

یکی از مسائل مستحدثه در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه که جنبه اقتصادی آن نیز پررنگ است، چگونگی استفاده از املاک و مستغلات وقفی می‌باشد. با توجه به اینکه اصولاً فروش مال وقفی جایز نیست از نهادهایی استفاده شده است که در عین اینکه فروش مال وقف نباشد، به نحو احسن از موقوفات استفاده شود. یکی از این نهادها «پذیره‌نویسی» یا «حق تقدیمی» است. این نهاد در کشور ما مخصوصاً در موقوفات آستان قدس رضوی و حرم حضرت معصومه (س) و به‌طور کلی در اکثر موقوفات بسیار رایج است. بنابراین، لازم است تحقیقی در خصوص تعریف و ماهیت آن صورت گیرد. عمده اختلافی که در خصوص پذیرهنویسی وجود دارد، دربارهٔ توصیف این حق است. توصیفاتی که عموماً انجام شده، این است که با حق الارض یا حق سرقفلی یا اجاره (همان‌طوری که در قراردادهای آستان قدس رایج است) و یا عقدی بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی توصیف شود. در واقع، سؤال اصلی تحقیق این است که ماهیت پذیرهنویسی در عقد وقف چیست؟ فرضیه اصلی تحقیق یادشده این است که پذیرهنویسی در حقوق ایران و فقه امامیه یک عقد مستقل و معین محسوب می‌شود. بنابراین در این مقاله، نگارنده کوشیده است آن را به‌عنوان یک عقد معین در حقوق ایران و فقه امامیه توصیف نماید و برای نیل به این مقصود، ابتدا بعد از بیان کلیاتی در خصوص تعریف پذیرهنویسی و یا حق تقدیمی و پیشینه تاریخی آن، به ذکر ادله شرعی این نهاد می‌پردازد و سپس ادله معین بودن آن را در فقه امامیه و حقوق ایران بیان می‌کند. در نهایت آن را با عقدی موسوم به «عقد حکره» در حقوق مصر بررسی تطبیقی می‌نماید و نشان خواهد داد که هم در حقوق ایران و هم حقوق مصر این نهادها عقد معین محسوب می‌شوند.

۱. کلیات: مفهوم لغوی و حقوقی پذیرهنویسی

برای ورود به بحث لازم است معنای لغوی و حقوقی و نیز تاریخچه پذیرهنویسی بیان شود.

۱-۱. مفهوم لغوی پذیره‌نویسی

پذیره‌نویسی واژه‌ای ترکیبی از «پذیره» و «نویسی» است. پذیره به معنای قبول و پسند^۱، استقبال و پیشواز^۲ است و واژه نویسی به معنای «نوشتن» به صورت مزید مؤخر در ترکیبات کاربرد دارد؛ مانند تندنویسی، خفیه‌نویسی، خوش‌نویسی، دعانویسی، رقعہ‌نویسی، روزنامه‌نویسی، رونویسی و نامه‌نویسی. شایان ذکر است که واژه به صورت مجاز نیز به کار می‌رود که در این صورت به معنای امضا کردن است^۳.

۲-۱. مفهوم حقوقی پذیره‌نویسی

پذیره‌نویسی در عقد وقف متفاوت از آن چیزی است که در حقوق تجارت و مبحث شرکت‌ها مطرح است. پذیره در وقف این گونه تعریف شده است: «وجهی که به هنگام ایجار اراضی موقوفه با اعطای حق تملک اعیان به مستأجر به عنوان «پذیره ابتدایی» و یا به هنگام انتقال املاک و مستغلات موقوفه به عنوان «پذیره انتقالی»، حسب مورد به نفع موقوفه با رعایت آیین‌نامه^۴ مربوطه دریافت خواهد شد». این تعریف همان بند ۲۳ دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ خرداد ۱۳۶۵ است.

مصادق بارز پذیره‌نویسی در حقوق کشورهای عربی معادل «حکر» است. حکر در لغت به معنای اجرت یا کرایه زمین است. همچنین به ساختمانی که در زمین دیگری بنا شده باشد، حکر اطلاق می‌شود^۵. شمس‌الدین رملی، فقیه حنفی مذهب، نیز در تعریف «حکر» بر این باور است: «حکر به معنای اجاره زمین هست که با هدف ابقاء و استمرار ساختمان و درختان و یا یکی از آن دو، روی آن است»^۶. برخی بر این تعریف این عبارت را افزوده‌اند: «مستأجر در مقابل باید اجرت‌المثل را نیز پرداخت نماید»^۷. ایرادی که به این

۱ - معین، فرهنگ فارسی معین، (تهران: انتشارات کتاب پارسه، ۱۳۷۶)، ذیل کلمه پذیره‌نویسی.

۲ - دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹) ذیل واژه پذیره‌نویسی.

۳ - عمید، فرهنگ فارسی عمید، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ص ۳۵۴.

۴ - بشیری و همکاران، حقوق کاربردی وقف و اراضی موقوفه، (تهران: جنگل، ۱۳۹۴)، ص ۳۷۴.

۵ - انطون، القاموس العصری، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، (تهران: اسلامیه، ۱۳۸۴)، ص ۱۵۹.

۶ - ابن عابدین، الدر المختار و حاشیه ابن عابدین، ج ۴ (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲)، ص ۳۹۱.

۷ - ابراهیم بک، (قاہرہ: احکام الوقف و الموارث، ج ۲، ۱۹۳۸)، ص ۱۴۵.

تعریف می‌توان گرفت این است که در فقه و مذاهب اسلامی حتماً باید مدت در عقد اجاره معلوم و معین باشد. در هر صورت ملاحظه می‌شود که زمین مقرر در عقد حکره اعم از این است که وقف باشد یا ملک^۱؛ درحالی که پذیرهنویسی فقط در مورد اموال موقوفی است. البته از سوی برخی از معاصران از حکر تعاریفی ارائه شده است که می‌توان گفت همان مفهوم پذیرهنویسی است؛ برای مثال، شیخ زرقاء حکر را به حق قرار می‌توان زمین موقوفه در ازای اجاره مدیده به اذن قاضی برقرار می‌شود، تعریف کرده است.^۲ در واقع به نظر می‌رسد فقها و حقوق‌دانان اهل سنت عمدتاً در قرن اخیر تلاش کردند بر پایه عرف خاص یا عمل قضایی، اراضی محکره را براساس غلبه بر زمین‌های وقفی مختص نمایند.^۳ بنابراین، به نظر می‌رسد در حقوق اهل سنت وصف ارض موقوفه، وصف غالبی باشد و قید یا مختص محسوب نمی‌شود؛ پس تفاوت عمده‌ای که با حق پذیره در نظام حقوقی ایران دارد این است که در حقوق ایران قید موقوفه قید واردی است و غیر موقوفه را از تعریف خارج می‌کند.

ایرادی که به أخذ اجرت‌المثل می‌توان گرفت اینست که اجرت‌المثل در جایی است که یا طرفین بر اجرت‌المسمی توافق نکرده باشند و یا توافق آنها باطل باشد و یا اینکه طرفین از همان ابتدا بر أخذ اجرت‌المثل توافق کرده باشند.

در هر صورت به توافقی که بین متقاضی اجاره ملک موقوفه با متولی وقف برای اولویت در اجاره ملک منعقد می‌شود، حق پذیره گفته می‌شود و براساس آنچه پیش‌تر ذکر شد، با وجود شباهت‌هایی که با عقد حکره دارد، تفاوت‌های مبنایی میان آنها دیده می‌شود.

۱-۳. سابقه تاریخی پذیرهنویسی در وقف

پذیرهنویسی سابقه تاریخی هم دارد. با گسترش دولت اسلامی در عهد خلفای راشدین و کثرت فتوحات اسلامی، بلاد غنی که دارای ثروت اقتصادی زیادی بودند، مانند شام، عراق

۱ - ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق و منحه الخالق و تکمله الطوری ج ۵، (قم: دارالکتاب الاسلامی، بی تا)، ص ۲۲۰.

۲ - الزرقاء، المدخل الفقہ العام (دمشق: دار القلم، ۱۹۹۶)، ص ۵۲.

۳ - حیدر، درر الحکام فی شرح مجله الاحکام، ج ۱، (بیروت: انتشارات دار الجیل، ۱۴۱۱)، ص ۶۱۵.

و مصر، به سرزمین‌های اسلامی ملحق شدند. برخی زمین‌ها بین مجاهدین تقسیم شد و از زمین‌های تقسیم نشده خراج اخذ شد. با توجه به ایجاد موارد جدید برای بیت‌المال، دولت اسلامی آنها را تملک کرد و گاه در اختیار صاحبان اولیه آنها قرار داد. مشکلاتی در این خصوص ایجاد شد، خلیفه دوم را بر آن داشت که دیوان خراج را تأسیس کند.^۱

در این دوره زمین‌هایی که اصطلاحاً «صوافی» نامیده می‌شد در اختیار دولت اسلامی قرار گرفت. صوافی زمین‌های موات یا زمین‌های غیرخراجی اجاره داده نشده بود و خاصه در ملکیت دولت‌هایی قرار داشت که برای مصالح مسلمین در آن تصرف می‌کردند. نوع دیگری از صوافی زمین‌هایی بود که مالکان آن در جنگ کشته شده یا در جنگ با کفار فرار کرده بودند؛ مانند املاکی که در اختیار پادشاه وقت، کسری، و خانواده‌اش و رجال دولتی قرار داشت. از این نوع زمین‌های زراعی پرثمر بسیار بود، ارزش تقریبی این املاک در آن زمان هفت میلیون درهم برآورد می‌شد.^۲

به سبب همین ارزش بسیار بالا بود که فقها به سمت بستن قراردادهایی با هدف استفاده از زمین‌های اوقافی در حکومت‌های اسلامی روی آوردند. بر این اساس، زرقاء حکمران از حقوق عینیه‌ای می‌داند که از زمین‌های وقفی ناشی می‌شود.^۳ اما اصطلاح حکمر، اصطلاح متأخری است که از سال ۱۵۰ متداول شد. اولین موقوفه‌ای که به این نام شهرت یافت، «حکمر الفهادین» در شهر دمشق روی رودخانه‌ای بود که تا سال ۴۹۷ هجری هم موجود بود.^۴

بنابراین آنچه برخی از نویسندگان حقوقی عرب ذکر می‌کنند که حکمر و اجاره‌ها و مرصد و خلو و اجاره طولانی مدت در عصر دولت فاطمی در مصر و دولت عثمانی در ترکیه بوده است^۵، درست نیست.

البته برخی از مورخان انتقاداتی به عقد حکمر داشته‌اند؛ از جمله اینکه این عقد برای اندثار اوقاف و ضایع کردن آن است، زیرا در نهایت اکثر مستحکرها به دنبال تملک رقبه

۱ - جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، (بیروت: دار الفكر الحدیث، ۱۴۰۸)، ص ۱۶.

۲ - حنفی بغدادی، *فقه الملوک و مفتاح الرتاج*، (بغداد: مطبعة الارشاد، ۱۹۷۳)، ص ۳۹۴.

۳ - الزرقاء، *المدخل الفقه العام*، (دمشق: دار القلم، ج ۱، ۱۹۹۶)، ص ۵۲.

۴ - ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۱، (بیروت: دار صادر، ۱۹۰۰)، ص ۲۹۶.

۵ - الطفیل، *الوقف*، (مکه مکرمه: کمصدر اقتصادی لتنبیه المجتمعات الاسلامیه، ۱۴۲۰)، ص ۳۵.

وقف هستند. همچنین غرض بعضی از واقفان در قدس شریف صیانت شهر مقدس قدس از تملک غیرمسلمانان بر زمین‌های این شهر در عهد عثمانی بود؛ بنابراین، مانع از تحکیر می‌شدند^۱. این انتقاد امروزه در جوامع اسلامی سالبه به انتفای موضوع است، زیرا تشکیلات دولت اسلامی مانع از تملک از سوی مستحکرها خواهد بود. همچنین با شرط کردن اینکه مستحکر یا پذیرهنویس مسلمان باشد، می‌توان از سلطه غیرمسلمان بر اوقاف جلوگیری کرد.

۲. ادله مشروعیت پذیرهنویسی در فقه

با توجه به اینکه ممکن است در مشروعیت این عقود مستحده ایراد شود، ابتدا لازم است مشروعیت این عقود اثبات گردد و سپس به ادله معین بودن آن پردازیم. در کتاب و سنت نصی صریح در مشروعیت عقد پذیرهنویسی وجود ندارد، اما عموماً وجود دارد که بر اساس آن می‌توان به مشروعیت پذیرهنویسی در عقد وقف رسید.

۲-۱. آیه شریفه اوفوا بالعقود

براساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)، اصل در عقود بر اباحه است. همان‌گونه که به درستی یادآور شده‌اند: «با توجه به اینکه «العُقُود» - به اصطلاح - «جمع مُحَلِّي به الف و لام» و مفید عموم می‌باشد و جمله نیز کاملاً مطلق است، آیه فوق دلیل بر وجوب وفا به تمام پیمان‌هایی است که میان انسان‌ها، و یا افراد انسان با خدا به طور محکم بسته می‌شود. و به این ترتیب، تمام پیمان‌های الهی و انسانی و پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تجاری و زناشویی و مانند آن را در بر می‌گیرد و یک مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است. از پیمان‌های فطری و توحیدی گرفته تا پیمان‌هایی که مردم بر سر مسائل مختلف زندگی با هم می‌بندند»^۲. همچنین روایات متعددی نیز از اهل بیت (ع) وارد شده است؛ برای مثال در روایتی از امام صادق این‌طور آمده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؟ قَالَ: الْعَهْدُ. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانَ گوید:

۱ - کرد علی، خطط الشام، ج ۵، (دمشق: مکتبه النوری، چ ۳، ۱۴۰۳)، ص ۱۱۶.

۲ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، (قم: انتشارات مدرسه امیرالمومنین، ۱۳۸۴)، ص ۳۱۷.

از امام صادق (علیه السلام) درباره سخن خداوند متعال: *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* پرسیدم فرمود: «مقصود عهدها است»^۱.

البته مرحوم محقق نراقی در کتاب «عوائد الایام» عقود در این آیه را به معانی متعددی تفسیر می‌کنند و بعد نتیجه می‌گیرند که با توجه به اینکه معنای لغوی عقد به معنای حبل است و این معنا از جنبه لغوی به معنای عهود مشدده است، بنابراین نمی‌شود به اطلاق این آیه تمسک جست^۲.

محقق اردبیلی^۳ و طبرسی^۴ عقد را به معنای عهد مؤکد یا مشدد گرفته‌اند. از نظر اینان فرق بین عقد و عهد این است که در معنای عقد، مفهوم استیثاق و شد وجود دارد که فقط بین متعاقبین قابل تصور است؛ در حالی که عهد می‌تواند به طور یک طرفه باشد، پس هر عقدی عهد است، در صورتی که هر عهدی عقد نیست.

جواب این اشکال این است که شارع مقدس به دنبال الزام مردم به آنچه که در عرف معنای عقد به آن اطلاق می‌شود، است و قطعاً یکی از این عقود پذیره‌نویسی است که اطراف آن عقد به آن اهتمام دارند. بنابراین، حتی اگر اشکال مرحوم نراقی وارد باشد، عرفاً امروزه یکی از عهود مشدده همان پذیره‌نویسی محسوب می‌شود. به همین سبب برخی از فقها معتقدند این آیه شریفه همه عقود را دربر می‌گیرد؛ خواه عقد را به معنای عقد مطلق بگیریم و یا اینکه فقط مراد آیه عهد و وثیق باشد که در هر صورت شامل آیه شریفه خواهد شد^۵.

همین نظر را علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اتخاذ نموده است: «قرآن کریم همانطور که از ظاهر جمله: «اوفوا بالعقود» ملاحظه می‌کنید، دلالت دارد بر اینکه دستور اکید داده بر وفا کردن به عقود، و ظاهر این دستور عمومی است، که شامل همه مصادیق می‌شود، و

۱ - برغانی، بحر الایمان و معدن الایمان، (بی‌جا، بی‌تا)، ص ۳.

۲ - نراقی، عوائد الایام، (قم: انتشارات مکتب بصیرتی، ج ۳، ۱۴۰۸)، ص ۳.

۳ - محقق اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، (قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج ۱، بی‌تا)، ص ۴۶۲.

۴ - طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ۵، (بیروت: مؤسسه اعلمی، ج ۱، ۱۴۱۵)، ص ۲۵۸.

۵ - خوئی، مصباح الفقاهه، ج ۲ و ۷، (بی‌جا، بی‌تا)، ص ۱۴۲.

هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را دربر می‌گیرد»^۱.

مفسران اهل سنت نیز همین برداشت را درباره آیه دارند. از نظر آنان هر عقدی واجب‌الوفا است، تا آنجایی که با دین الهی موافق باشد^۲.

از نظر فقهای اهل سنت نیز با توجه به اصل حریت انسان، او می‌تواند هر عقدی را که به انشای آن نیاز دارد حتی اگر از قبل معروف نباشد منعقد نماید؛ رغبت‌ها و حاجات انسان‌ها متجدد هستند و برای آنها نیز حد معینی وجود ندارد

سرخسی حنفی مذهب نیز معتقد است: «در تشریح عقود اصل بر حاجت انسان است، تشریح عقود به نحوی صورت می‌گیرد که حاجت آنها را برطرف نماید، البته با اصول شرع نیز موافقت داشته باشد»^۳.

به نظر می‌رسد از این آیه می‌توان به مشروعیت شرعی پذیرهنویسی در حقوق اسلام رسید.

۲-۲. ادله شروط

در لغت، شرط به معنای مطلق الزام و التزام است^۴. اینکه فیروزآبادی در قاموس شرط را الزام و التزام در ضمن بیع و نحو بیع می‌داند^۵، مطلبی است که مختص ایشان است و در لسان سایر لغویون مرسوم نیست و شرط مطلق الزام و التزام را شامل می‌شود^۶. از لحاظ اصطلاحی شرط را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «آنچه از عدم آن، عدم چیزی دیگر لازم می‌آید، اما وجود آن با وجود شرط لازم نیست»^۷.

۱ - طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۵، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی (قم: بنیاد المیزان، بی‌تا)، ص ۲۵۸.

۲ - قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۵، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵)، ص ۳۰.

۳ - سرخسی، المبسوط، ج ۱۵، (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۴)، ص ۷۵.

۴ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، (بیروت: دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴)، ص ۳۲۹.

۵ - فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۲، (بیروت: دار العلم، ۱۴۲۶)، ص ۳۶۸.

۶ - انصاری، مکاسب، ج ۶، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵)، صص ۱۱ و ۱۲.

۷ - باجی الحدود فی الاصول، (دمشق: انتشارات دار الافاق العربیه، ۱۴۲۰)، ص ۶۰.

از لحاظ فقهی هم، مشهور فقها شرط را به مفاهیم مختلفی معنا کرده‌اند که یکی از آنها، مطلق الزام است.^۱ در این صورت قطعاً شامل پذیره‌نویسی خواهد شد؛ چه پذیره‌نویسی را عقد مستقل بدانیم چه وابسته به عقود و ماهیت‌های دیگر. اما معنای دیگر از شرط را محقق خوئی ارائه داده است: «شرط فقط یک معنی دارد و به معنای ربط، و ارتباط و گره زدن دو چیز است. البته این ارتباط می‌تواند به نحو تکوینی یا جعلی یا اعتباری باشد، اما در هر صورت یک معنی دارد و آن هم به معنای ارتباط است»^۲. با توجه به نظر ایشان می‌توان گفت تلاش‌هایی که با ابتکار شیخ انصاری برای بحث مستقل از شروط شروع شد و به تعبیر سید یزدی، کتاب شروط ایشان رساله مستقلی است^۳، با این بیان مرحوم خوئی به اوج رسید و می‌توان گفت در فقه امامیه نظریه عمومی شروط وجود دارد. وقتی که نظریه عمومی شروط منقح شد، قطعاً شامل عقود جدیدی مثل پذیره‌نویسی و حکره نیز خواهد شد و بر پایه ادله نظریه عمومی شروط هم این عقود مشروعیت خواهد داشت، زیرا براساس نظریه عمومی شروط، شارع مقدس ارتباط بین طرفین قرارداد را اعتبار نموده است و هر جایی که این ارتباط وجود داشته باشد این ادله به نحو حقیقی - و نه مجاز یا ادعایی - شامل ارتباط بین طرفین نیز خواهد شد و اطلاق این ادله فقط شامل عقود و تعهدات زمان شارع نخواهد شد. بنابراین پذیره‌نویسی هم جزء ادله شروط خواهد بود.

۳. ادله عقد معین بودن پذیره‌نویسی

در تعریف سنتی عقود معین گفته شده است: «قراردادهایی است که قانون، نام خاصی بر آنها گذاشته و شرایط و احکام ویژه‌ای برای آنها مقرر داشته است؛ مانند بیع، اجاره»^۴. عقود غیرمعین یا بی‌نام نیز «عقودی هستند که در قانون، عنوان و صورت خاصی ندارند و شرایط و آثار آن، بر طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده تعیین می‌شود»^۵. اما همان‌طور که ذکر شد این تعریف تمام حقیقت را دربر ندارد، زیرا آنچه که باعث تمایز عقود معین از یکدیگر می‌شود، اقتضا و اثر اصلی عقد است، نه صرف وجود احکام و آثار

۱ - انصاری، پیشین، ص ۱۳.

۲ - خوئی، مصباح الفقاهه، ج ۷، (بی‌جا، بی‌تا)، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۳ - طباطبایی یزدی، حاشیه‌المکاسب، ج ۲، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۵.

۴ - صفایی، قواعد عمومی قراردادها، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲)، ص ۳۹.

۵ - کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ص ۹۹.

مختلف. اگر صرف وجود احکام و آثار خاص باعث تمایز عقود معین شود، فروش آپارتمان ساخته نشده نیز باید معین و مستقل باشد، درحالی که قرارداد یادشده بیع مال آینده است.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد در تعریف عقد معین می‌توان گفت: «عقدی است که دارای نام مشخص، احکام خاص و اقتضای خاص باشد»^۲. بنابراین، برآنیم که اثبات نماییم در فقه و قانون، پذیرهنویسی به عنوان عقد معین محسوب می‌شود، زیرا دارای نام مشخص، احکام خاص و اقتضای خاص است. در این صورت نیازی نیست به دنبال این باشیم که ماهیت پذیرهنویسی چیست؟ بلکه خود، عنوان مستقل و احکام ویژه‌ای دارد. نخست، ذکر این نکته ضروری است که ماهیت‌های حقوقی در بستر زمان و مکان به تدریج صیوریت پیدا می‌کنند؛ برای مثال، اقاله ابتدا از منظر فقیهان امامیه ماهیت فسخ داشت، اما امروزه از نظر برخی فقیهان و حقوق دانان عقد معین محسوب می‌شود.^۳ بنابراین، هیچ استبعاد وجود ندارد که نتوان ماهیت‌های مشابه را بر اثر تحولات جدید عقد معین نامید (ادل دلیل علی امکانه وقوعه). با این مقدمه و بنابه ادله زیر، پذیرهنویسی از عقود معین محسوب می‌شود.

۳-۱. داشتن عنوان مستقل

نخست ذکر این نکته ضروری است که در تاریخ دی ۱۳۶۳ قانون جدید تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و بر طبق آن، حج و امور خیریه نیز به وظایف این سازمان اضافه شد و به «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» تغییر نام یافت. براساس قانون پیش گفته، اداره عمده امور اوقاف عامه به ولی فقیه محول شد. طبق مصوبه شورای عالی اداری از تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۷۰ عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، به سازمان اوقاف و امور خیریه تغییر یافت.

شایان ذکر است پذیرهنویسی متفرع بر وجود عقدی به نام وقف بوده، وقف نیز از جمله عقود امضایی - و نه تأسیسی - است. در واقع شارع مقدس این معامله عرفی و شرعی را تنفیذ

۱ - شعبانی کندسری، وثیقه شناور در حقوق انگلیس و تحلیل آن در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۵، صص ۸۱-۱۴۲.

۲ - ره‌پیک، حقوق مدنی: عقود معین ۱، (تهران: انتشارات خرسندی، ج ۱، ۱۳۸۷) و حقوق مدنی: حقوق قراردادها، (تهران: انتشارات خرسندی، ج ۱، ۱۳۹۱).

۳ - ره‌پیک و همکاران، «سیر تحول ماهیت اقاله در حقوق اسلام و ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۰ (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۳۵ به بعد.

نموده و حتی کمترین توسعه و توضیح نسبت به آن از طرف قانون‌گذار شرعی صورت گرفته، و موضوعیت در این عقد با نیت، انگیزه و اراده واقف یا واقفان است.^۱ یکی از حقوق‌دانان در این زمینه می‌نویسد: «با وجود کثرت تأکيدات کتاب و سنت در مورد عمل به وقف، به نظر می‌رسد بیشتر مقررات وقف نتیجه اجتهاد فقها می‌باشد. به همین دلیل است که بسیاری از فقها و حقوق‌دانان معتقدند که وقف حقیقتی شرعی نیست و یک امر عقلایی و عرفی می‌باشد»^۲. بنابراین، عقلای عرف خاص، یعنی فقها و حقوق‌دانان، بنابر اقتضائات و نیازهای روز مردم می‌توانند در عقد وقف تغییراتی انجام دهند و این تغییرات مورد تأیید شارع مقدس است.

همین امر در مورد پذیره‌نویسی هم صدق می‌کند. نگاهی به نوشته‌های دانشمندان دینی و اندیشمندان حقوق درباره وقف در آستان قدس رضوی و نیز بررسی قانون معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ و نخستین قانون اوقاف مصوب ۳ دی ۱۳۱۳ و همچنین قانون اوقاف مصوب ۲۲ تیر ۱۳۵۴ نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از منابع یادشده، پذیره و تقدیمی عنوانی ندارد. بی‌گمان، آیین‌هایی انگیزه‌پدید نمی‌آیند و دگرگونی‌های اجتماعی نیازهای تازه‌ای می‌آفرینند که هر یک قانون‌گذار را برمی‌انگیزاند تا برای برآوردن آن، آیینی درخور بنویسد. درباره پذیره باید گفت قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۲ دی ۱۳۹۳ بیان داشته است: «نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید». بعد از این مقرر، در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی، در ۱۱ ماده و تبصره از تصویب هیأت وزیران گذشت و بعدها اصلاحاتی در آن انجام گرفت که واپسین اصلاح در سال ۱۳۸۶ و مربوط به ماده ۶ آیین‌نامه بود.

بنابراین در خصوص پذیره‌نویسی می‌توان گفت پذیره‌نویسی امروزه دارای عنوان مستقلی است، زیرا برابر بند ۲۳ دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات سازمان حج

۱ - سعادت‌فر، «امکان‌سنجی وقف پول»، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال چهاردهم، ش ۵۴ (۱۳۸۵)، صص ۴۲ و ۴۴.

۲ - فیض، «مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دوم، ش ۸ (۱۳۷۳)، صص ۱۰۴ و ۱۰۶.

و اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ خرداد ۱۳۶۵ «پذیره» و جهی است که به هنگام ایجار اراضی موقوفه یا اعطای حق تملک اعیان به مستأجر به عنوان «پذیره ابتدایی» و یا به هنگام انتقال رقبات به عنوان «پذیره انتقالی»، حسب مورد به نفع موقوفه با رعایت آئین‌نامه مربوطه دریافت خواهد شد.

براساس همین تعریف است که عمده قراردادهای پذیرهنویسی در آستان قدس رضوی یا حرم حضرت معصومه (س) ذیل عنوان اجاره منعقد می‌شود، درحالی که ماهیت اجاره با پذیرهنویسی کاملاً متفاوت است؛ اولاً در اجاره حتماً بر اساس ماده ۴۶۸ قانون مدنی باید مدت اجاره مشخص باشد و اگر مدت مشخص نباشد، اجاره باطل است؛ درحالی که در پذیرهنویسی چنین شرطی لحاظ نمی‌شود. از جنبه عملی نیز معمولاً مدت تسلط متصرف مدت بسیار مدیدی است که با موقت بودن عقد اجاره منافات دارد. در واقع کسانی که اجاره طولانی مدت را اجازه دادند، نوعی تخلص قانونی و شرعی برای توجیه پذیرهنویسی بیان نموده‌اند که به نظر می‌رسد نیازی به این توجیها نیست و اگر ماهیت مستقل عقد پذیرهنویسی را به عنوان عقد معین بپذیریم، در واقع عقد اجاره هم صحیح تفسیر خواهد شد. واقعیت این است که اجاره‌نامه‌های طولانی مدت، مثل اجاره ۹۹ ساله، خود نوعی سلب حق مالکیت بر اساس ماده ۹۵۹ قانون مدنی است و چنین قراردادهایی نمی‌تواند ماهیت اجاره داشته باشد.

همین اشکال در حقوق مصر نیز وجود دارد و باینکه در حقوق این کشور اجاره مؤبد باطل شمرده شده، ولی تخلص‌هایی برای فرار از اجاره طولانی مدت بیان شده است؛ برای مثال، بر اساس نظر بیشتر حقوق دانان مدت اجاره می‌تواند به میزان حیات مؤجر یا مستأجر تعیین شود و این نوع اجاره را مؤبد یا در حکم مؤبد نمی‌دانند. در این صورت، عقد اجاره برای مؤجر لازم‌الاتباع خواهد بود. اگر مدت اجاره به مدت حیات مستأجر تعیین شده باشد و در خلال این مدت مؤجر فوت کند، تعهدات او به وراثت منتقل خواهد شد و وراثت تا هنگام فوت مستأجر به عقد اجاره ملزم می‌باشند. این عقد با فوت مستأجر منفسخ می‌شود. همچنین اگر مدت عقد اجاره برای حیات مؤجر تعیین شده باشد، عقد اجاره در صورت فوت مستأجر به وراثت او منتقل می‌شود و بر آنان لازم‌الاتباع خواهد بود. فقط با فوت مؤجر عقد منفسخ می‌شود؛ البته باید توجه داشت که در حقوق این کشور در همه حالات نباید مدت اجاره از ۶۰ سال تجاوز نماید. توجیهی هم که برای صحت این نوع اجاره‌ها

می‌شود این است که عقد اجاره به مدت حیات مؤجر و یا مستأجر مؤبد نیست و حیات انسان را می‌توان موقت دانست^۱. همچنین حق تملک اعیان نیز از آثار پرداخت پذیره معرفی شده است، درحالی که براساس قانون مدنی و فقه امامیه، مستأجر فقط حق مالکیت بر منافع را دارد، پس حق تملک بر اعیان، ماهیتی مستقل از اجاره دارد و خود موضوع، عقد معینی به نام پذیره است؛ بنابراین، پذیره از لحاظ قانونی عنوان مستقلی دارد.

مقررۀ دیگری که باید به آن توجه شود، مادۀ ۱۱ آیین‌نامۀ اجرایی است. برابر مادۀ ۱۱ آیین‌نامۀ اجرایی مصوب ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ هیئت وزیران، «به منظور رعایت مصلحت وقف و بهره‌برداری صحیح باید رقبات موقوفه را با توجه به مفاد وقف‌نامه و قوانین مربوطه و با جلب نظر کارشناس رسمی یا خبرۀ محلی و رعایت شرایط زیر از طریق مزایده به اجاره واگذار کرد.

الف: خسارات احتمالی حتی‌الامکان به‌عهده مستأجر است.

ب: از مستأجر باید ضامن معتبر یا وثیقه مناسب برای تأدیۀ حقوق موقوفه و تخلیه و تحویل آن در پایان مدت اخذ شود.

ج: حق انتقال مورد اجاره از طرف مستأجر به غیر حسب مورد موکول به موافقت کتبی متولی و اداره حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد. بدیهی است رعایت آیین‌نامۀ نحوه وصول پذیره و اهدای پذیره الزامی است.

د: مدت اجاره نباید بیشتر از ۱۰ سال باشد مگر با جلب موافقت سازمان.

ه: (اصلاحی ۱۳۸۴/۴/۱۵) از پیشنهاددهندگان برابر ۱۰ درصد قیمت پایه‌ای که با نظر کارشناس یا خبره برای انجام مزایده تعیین می‌شود به‌عنوان سپرده اخذ شود.

و: حداقل اجاره بر اساس نظر کارشناس رسمی یا خبرۀ محلی و به نرخ عادلۀ روز و سایر شرایط لازم در آگهی مزایده قید گردد.

ز: اجاره‌نامه باید رسمی باشد و در موردی که اجاره‌نامه رسمی میسر نیست قرارداد تنظیم گردد».

شاید براساس آیین‌نامه استدلال شود که ماهیت پذیره تابع اجاره بین مستأجر و مؤجر است. علت آن هم تأکید قانون‌گذار بر لزوم اجرای آیین‌نامۀ نحوه وصول پذیره است. آیین‌نامۀ پیش‌گفته مصوب سال ۱۳۶۵ است و در تبصره مادۀ ۱۰ آن، پذیره و مواد ۱ تا ۵

۱ - سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۶ (قاهره: دار الاحیاء التراث، ۱۹۵۸)، ص ۱۴۵.

طوری انشا شده که پذیره از شروط عقد اجاره میان مؤجر و مستأجر است. اما در تبصره ماده ۱۰ این آیین‌نامه آمده است: «براساس رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ذیل دادنامه شماره ۲۸۷-۲۸۶-۱۳۸۶/۴/۳۱ که می‌فرماید: «به شرح نظریه شماره ۲۰۹۷۷/۳۰/۸۶-۱۳۸۶/۱/۳۰ فقهای شورای نگهبان و اطلاق تبصره ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدایی در مواردی که واقف نظری نسبت به اخذ پذیره نداشته و یا نظر به عدم اخذ پذیره داشته و همچنین اطلاق تبصره ماده مزبور نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری خلاف موازین شرع شناخته شد». همچنین در مواد ۱ تا ۵ این آیین‌نامه نیز هیئت عمومی دیوان عدالت اداری چنین مقرر داشت: «مطابق احکام تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی لازم‌الاتباع است. نظر به اینکه دبیر شورای نگهبان قانون اساسی به موجب نامه‌های شماره ۸۸۴/۱۰۰/۹۶-۱۳۹۶/۲/۱۸ و ۵۹۳۵/۱۰۰/۹۷-۱۳۹۷/۴/۲۳، اعلام کرده است: «۱- اطلاق ماده یک، در مواردی که نظر واقف بر عدم اخذ پذیره باشد یا نظر به اخذ پذیره به نحو خاص داشته باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین در مواردی که واقف نظری ندارد و مصلحت وقف به تشخیص متولی بدون اخذ پذیره یا به مبلغ کمتر و یا بیشتر از پذیره تعیین شده در این آیین‌نامه باشد، اشکال دارد.

۲- اطلاق ماده ۲، در مواردی که نظر واقف بر عدم اخذ پذیره باشد یا نظر به اخذ پذیره به نحو خاص داشته باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین در مواردی که واقف نظری ندارد و مصلحت وقف به تشخیص متولی بدون اخذ پذیره یا به مبلغ کمتر و یا بیشتر از پذیره تعیین شده در این آیین‌نامه باشد، اشکال دارد.

۳- در ماده ۳، اطلاق آن نسبت به موردی که واقف نظر به عدم اخذ سرقفلی یا کیفیت دیگری غیر از مرسوم داشته باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۴- در مواد ۴ و ۵، انحصار به ۱۰٪ بدون رضایت متولی شرعی-خاصه یا عامه- بر اساس مصلحت‌سنجی ایشان وجه شرعی نداشته، بنابراین اطلاق آن خلاف موازین شرع می‌باشد در جایی که اصل اخذ سرقفلی مشروع باشد. همچنین کسب موافقت اداره حج و اوقاف در موارد وجود متولی خاص، خلاف موازین شرع است.

بنابراین در اجرای احکام قانونی مذکور و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان و مستند به مواد ۸۸ و ۱۳ قانون فوق‌الذکر، حکم بر ابطال مواد مورد اعتراض از آیین‌نامه نحوه

ترتیب وصول پذیره و اهدایی مصوب سال ۱۳۶۵ هیأت وزیران از تاریخ تصویب آیین‌نامه صادر می‌شود».

ملاحظه می‌شود که از نظر فقهای شورای نگهبان اطلاق این مواد اشکال شرعی دارد. درحالی که اگر ماهیت پذیره‌نویسی اجاره یا شرطی ضمن عقد اجاره بود، اطلاق این شروط تحت عنوان اطلاق ادله شروط قرار می‌گرفت و در نتیجه شامل حکم عام صحت شروط بر طبق قاعده «المؤمنون عند شروطهم» می‌شد. در نتیجه براساس تفسیر شورای محترم نگهبان از ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۲ دی ۱۳۶۳ که بیان می‌دارد: «وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفه محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید»، نگارنده مقاله بر این باور است که شرط پذیره مستقل از عقد مبنایی اجاره است و خود عنوان عقد مستقل دیگری قرار می‌گیرد.

البته برای اثبات این موضوع لازم است شرط استقلال پذیره‌نویسی از عقد اجاره را هم اثبات نماییم. شاید از ماده ۲۴۶ قانون مدنی برداشت کنیم که شرط ضمن عقد در هر صورت تابع عقد است؛ درحالی که این تفسیر امروزه نه در حقوق ایران پذیرفته است و نه در حقوق دنیا. یکی از مهم‌ترین مصادیق آن شرط داوری است. در ماده ۱۴۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، شرط داوری توافقی است که به موجب آن طرفین یک قرارداد متعهد می‌شوند دعاوی و اختلافات ناشی از آن قرارداد را از طریق داوری حل و فصل نمایند؛ بنابراین، قرارداد داوری مستقل از قرارداد اصلی محسوب می‌شود.

مثال دیگری که حقوق‌دانان فرانسوی مطرح نموده‌اند، شرط تحدید مسئولیت است. این شرط هم جزء شروطی است که هدف از آن اینست که حتی پس از انتفای قرارداد هم منشأ اثر و در نتیجه مستقل از قرارداد اصلی باشد^۱.

در فقه امامیه نیز برخی از فقها لااقل در شرط وجه التزام در قرارداد، شرط مستقل از عقد، و حتی آن را بعد از فسخ عقد نیز معتبر می‌دانند^۲.

1. Nicolas, Gras, Nicolas, Essai sur les clauses contractuelles, Thèse pour le doctorat en droit privé, Université d'Auvergne – Clermont Ferrand 1, École de droit. 2014, p. 499.

۲ - طباطبایی حکیم، منهاج‌الصالحین، ج ۲، (قم: دارالهملا، ج ۸، ۱۴۱۵)، ص ۷۹، مسئله ۸.

گرچه در برخی از آرای دیوان عالی کشور شرط عدم استقلال وجه التزام مستند به ماده ۲۴۶ قانون مدنی رأی داده شده است (دادنامه صادره از شعبه ۵ دیوان عالی کشور مورخ ۸ آبان ۱۳۹۲)، اما این تحلیل برخلاف قصد طرفین و اراده آنهاست؛ چراکه اگر قائل به شرط عدم استقلال باشیم، در واقع عمل لغو را به طرفین قرارداد نسبت می‌دهیم. بر این اساس، در ماده ۱۶ قانون داورى تجارى بین‌المللى، شرط داورى، مستقل از قرارداد اصلی قلمداد شده است.

شایان ذکر است، در داورى تجارى بین‌المللى هم بین مخالفان و موافقان شرط استقلال داورى مباحث تحلیلی عمیقی رد و بدل شده است. مخالفان استقلال شرط داورى که عمدتاً بر مبنای تحلیل‌های منطقی نظر خود را ارائه می‌نمایند، همان استدلال معروف تابعیت فرع از اصل را مطرح می‌کنند. بر این اساس، طبق اصل تبعیت شرط از عقد، فسخ یا بطلان قرارداد اصلی به‌طور خودکار موجب بطلان شرط داورى به معنای اعم خواهد شد. بنابراین، اگر ثابت شود عقد اصلی از آغاز باطل بوده است، شرط هم بی‌اثر می‌شود؛ حتی اگر تمامی شرایط صحت معامله را داشته باشد. لذا داور واجد صلاحیت برای اتخاذ تصمیم در مورد اعتبار و بطلان قرارداد اصلی نیست و مخالفان معتقدند اعتبار شرط داورى بعد از رسیدگی دادگاه به اعتبار قرارداد اصلی معلوم خواهد شد.^۱ اما حامیان استقلال شرط داورى، بیشتر به مشکلات و نیازهای تجارى امروز توجه می‌نمایند.^۲ به‌نظر می‌رسد این نیازها و لغویت اراده طرفین در صورت بی‌اعتبار بودن شروط ضمن عقد باعث می‌شود در مورد پذیرهنویسی هم قائل به استقلال شرط پذیرهنویسی باشیم و آن را به‌عنوان یک عقد مستقل و معین تلقی نماییم؛ عقدی که منشأ آن اجاره است، اما مستقل و منفک به حیات خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین پذیرهنویسی کاملاً دارای عنوانی مستقل است.

۱ - مرکز داورى اتاق بازرگانى و صنایع و معادن ایران، «آثار استقلال شرط داورى»، مجله اقتصاد، ش ۳۰ (تیر ۱۳۸۸)، ص ۱۴.

۲ - ایلخانی‌زاده، «تنظیم قرارداد داورى با توجه به قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران»، مجله حقوق کانون وکلا، ش ۱۹۸ و ۱۹۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، ص ۵۴.

۳-۲. احکام خاص پذیره نویسی

بر اساس مقررات پذیره نویسی، فردی که در نتیجه پرداخت وجه صاحب حق در موقوفه شده است، بر اساس حق اولویت، بر موقوفه حق عینی پیدا می کند؛ بنابراین حق مالکیت تام - در مورد فعالیت هایی که در موقوفه انجام داده یا خواهد داد - را دارد و مشخص است که کاملاً با عقد اجاره - که ماهیت آن مالکیت منافع است - متفاوت خواهد بود. بنابراین این عقد نیز دارای احکام خاص خود می باشد.

همین مسئله در قانون مدنی مصر نیز پیش بینی شده است. بر اساس قانون مدنی این کشور، در عقد حکر برای مستأجر بر روی زمین های وقفی دو گونه حق ثابت شده است: اول، حق عینی که بر زمین وقفی بر اساس قرارداد اجاره پیدا می کند؛ و دوم، حق ملکیت تام که بر روی فعالیت هایی است که وی روی زمین های وقفی انجام داده است، مثل ساختمان و درختان؛ بنابراین، مستأجر می تواند در هر یک از این دو حق، به صورت مستقل تصرف و بهره برداری کند. وی می تواند حق حکر را به دیگری واگذار نماید؛ کماینکه می تواند درختان یا ساختمان موجود در زمین موقوفه را به فروش رسانده یا از طریق عقد اجاره به فرد دیگری واگذار کند. در هر حال، وی یا مستأجر اصلی موظف است در مقابل ناظر وقف، اجاره زمین را پرداخت نماید.

مؤجر یا محکر نیز حق عینی بر رقبه یا زمین وقفی دارد. وی دارای حق اختصاصی در اجاره دادن و واگذاری زمین موقوفه به غیر، زیر نظر دادگاه و دادگستری است و نیز حق اختصاصی نسبت به اجرت یا اجاره بها دارد^۱.

حکم دیگر پذیره نویسی هزینه و مبلغی است که تحت عنوان «پذیره» دریافت شده است. هزینه پذیره نویسی در وقف، شباهت فراوانی به «حق الارض» در قوانین موضوعه دارد. در حقوق ایران با توجه به اینکه شهرداری ها برای تملک و آزادسازی معابر و خیابان ها، هزینه های هنگفتی را صرف و سپس اقدام به آماده سازی آن می کنند و در طول عملیات آزادسازی بعضاً متحمل پرداخت خسارت یا هزینه جابه جایی تأسیسات به شرکت های خدماتی می شوند و از طرف دیگر شرکت های خدماتی پس از آماده شدن معابر، بدون پرداخت وجهی اقدام به عبور شبکه و تأسیسات خود از زیر سطح، سطح و فوق سطح این گونه معابر می کنند و با عنایت به تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری ها، کلیه

۱ - السنهوری، پیشین.

معابر، شوارع و خیابان‌ها را عمومی و در مالکیت شهرداری‌ها عنوان کرده است، لذا این شرکت‌ها باید برای عبور شبکه خدماتی خود علاوه بر اخذ مجوز، ماهانه مبلغی را به‌عنوان اجاره (حق الارض) به شهرداری‌ها پرداخت نمایند تا شهرداری‌ها علاوه بر تأمین بخشی از هزینه‌های ایجاد معابر، در توسعه معابر جدید و نگهداری از آنها صرف کنند.^۱ بنابراین ملاحظه می‌شود که پذیره تفاوت‌های ماهوی فراوانی با اجاره‌بها در عقد اجاره دارد و همین امر بیانگر حکم مستقل پذیرهنویسی و در نتیجه معین بودن این عقد است.

از لحاظ فقهی نیز متصرف ملک موقوفه دارای حق اولویت است. منظور از حق اولویت - که بحث مفصلی در قواعد فقهیه دارد - این است که برای دارنده حق اولویت اجمالاً حقی متصور است؛ البته این حق عینی مطلق و همه‌جانبه نیست، بلکه به این معناست که او مادامی که در آن ملک متصرف است، هیچ کس حق ندارد برای او مزاحمت ایجاد کند. اگر چنین شد، برای مزاحم حسب مورد، آثار سلب حق مترتب خواهد شد؛ برای مثال، نماز او باطل خواهد شد و همچنین متصرف می‌تواند برای رفع مزاحمت به حاکم تظلم خواهی نماید و رفع مزاحمت را تقاضا کند.^۲

سومین حکم پذیرهنویسی این است که متصرف موقوفه با پرداخت حق پذیره به متولی موقوفه، حق تجدید اجاره را دارد. البته برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «حق پذیره، همان حق سرقفلی است و مستأجر عین موقوفه با پرداخت حق پذیره به مالک، این حق را برای خود ایجاد می‌کند».^۳ این سخن درست نیست و پذیرهنویسی عیناً سرقفلی نیست، گرچه شباهت‌هایی دارد، ولی تفاوت‌هایی هم وجود دارد؛ مخصوصاً اگر حق کسب و پیشه را معادل سرقفلی بدانیم، زیرا در این صورت، اولویت در اجاره به سبب فعالیت تجاری مستأجر خواهد بود، نه صرف مبلغی که مستأجر به مؤجر پرداخت کرده است. اما اگر حتی سرقفلی را معادل کسب و پیشه ندانیم، تفاوت مهم عقد اجاره و وقف روشن است و در این صورت، مستأجر مالک منفعت در مورد سرقفلی است. اما در مورد پذیرهنویسی،

۱ - شافعی، کنکاشی پیرامون لزوم برقراری عوارض حق الارض در شهرداری، سایت کاشان نیوز، (۱۳۹۲)، ص ۴۴.

۲ - مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، (قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ج ۳، ۱۳۷۰)، ص ۱۴۵.

۳ - اصغری و بهشتی توندیری، «بررسی مبانی فقهی حق پذیره (حق تقدیمی)»، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، ش ۶ (۱۳۹۱)، ص ۱۷۷.

صاحب حق فقط دارای اولویت نسبت به تصرف در عین و منفعت است و با پرداخت پذیره متولی ملزم است موقوفه را در اختیار او قرار دهد.

۳-۳. اقتضای خاص پذیره نویسی

ملاحظه شد که تلقی عمومی این است که پذیره نویسی در وقف، شرطی ضمن عقد اجاره است و این تلقی محل اشکال و ایراد است؛ زیرا موارد زیر باعث می شود نتوانیم ماهیت اجاره را به قراردادهای تنظیمی بدهیم:

الف) پرداخت مبلغ گزافی از سوی مستأجر به عنوان حق پذیره یا حق اهدایی که تقریباً نزدیک به مبلغ زمین است، عرفاً به منزله خرید زمین محسوب می شود.

ب) طولانی مدت بودن این نوع اجاره ها.

ج) داشتن حق احداث و تملک اعیان.

د) اندک بودن مبلغ اجاره بهای پرداختی در تمام مدت اجاره.

بنابراین، پذیره نویسی مقتضای خاص خود را دارد و عقد معین قانونی است، زیرا شرایط تسمیه به عنوان عقد معین را دارد.

نتیجه

بر اساس آنچه که منقح شد، پذیره نویسی یا معادل آن در فقه اهل سنت و حقوق کشورهای عربی، حکره، خود می تواند به عنوان یک عقد مستقل و معین تلقی شود. در تعریف اصطلاحی پذیره نویسی یا حکره، با وجود شباهت هایی، تفاوت های مبنایی وجود دارد. در حالی که در فقه امامیه و حقوق ایران قید موقوفه بودن ملک قید احترازی محسوب می شود، در حقوق و فقه اهل سنت قید غالبی است. نگارنده مقاله بر این باور است که پذیره نویسی توافقی است که بین متقاضی اجاره ملک با متولی وقف برای اولویت در اجاره ملک منعقد می شود.

اما ادله مشروعیت این عقد را می توان عموماً قرآنی، ادله شروط دانست که به تفصیل توضیح داده شده است. در این ادله عمدتاً با فقهای اهل سنت هم اشتراک نظر وجود دارد و می توان وحدت مبنایی در مشروعیت این عقود اتخاذ کرد.

بعد از فراغت از بحث ادله، لازم بود ادله معین بودن این عقد بیان شود. دانستیم آنچه که سبب تفاوت عقد معین با نامعین می شود، دارا بودن عنوان مشخص، احکام مشخص و

ادله عقد معین پذیره نویسی در وقف در فقه و حقوق اسلامی با مطالعه تطبیقی | بهروزی زاد | ۸۷

مقتضای مشخص است که در مورد پذیره نویسی در وقف هر سه وجود دارد و بنابراین به نظر می رسد، ماهیت مستقلی نسبت به عقد اجاره دارد و می تواند به صورت یک عقد معین مستقل منعقد شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Hamid Reza Behroozizad

<http://orcid.org/0000-0003-3285-9349>

منابع

الف) فارسی

- قرآن کریم
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: انتشارات مکتب اسلامی، ۱۳۷۹).
- بشیری، عباس؛ پوررحیم، مریم؛ زمانی، جمشید؛ رجایی، بهزاد؛ باقری، سعید، حقوق کاربردی وقف و اراضی موقوفه، (تهران: جنگل، ۱۳۹۴).
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، (تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹).
- رهپیک، حسن، حقوق مدنی: عقود معین، تهران: انتشارات خرسندی، چ ۱، ۱۳۸۷.
- -----، حقوق مدنی: حقوق قراردادها، (تهران: انتشارات خرسندی، چ ۱، ۱۳۹۱).
- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲).
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹).
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۵ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی (قم: بنیاد المیزان، بی تا).
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، (تهران: انتشارات امیرکبیر چ ۱۴، ۱۳۸۴).
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قرارداد، ج ۱ و ج ۳ (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷).
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (تهران: انتشارات کتاب پارسه، ۱۳۷۶).
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، (قم: انتشارات مدرسه امیرالمومنین، ۱۳۸۴).

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ایلخانی زاده، نگار، «تنظیم قرارداد داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، *مجله حقوق کانون وکلا*، ش ۱۹۸ و ۱۹۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۶).
- ره‌پیک، حسن؛ شعبانی کندسری، هادی؛ ساعتچی، علی، «سیر تحول ماهیت اقاله در حقوق اسلام و ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۷۰ (تابستان ۱۳۹۴).
- سعادت‌فر، جواد، «امکان‌سنجی وقف پول»، *فصلنامه وقف میراث جاودان*، سال چهاردهم، ش ۵۴ (۱۳۸۵).
- شعبانی کندسری، هادی، *وثیقه شناور در حقوق انگلیس و تحلیل آن در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۵.
- فیض، علیرضا، «مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن»، *فصلنامه وقف میراث جاودان*، سال دوم، ش ۸ (۱۳۷۳).
- مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، «آثار استقلال شرط داوری»، *مجله اقتصاد*، ش ۳۰ (تیر ۱۳۸۸).

ب) عربی

- ابراهیم بک، احمد، *احکام الوقف و الموارث*، (قاهره: مکتبه الاسلامیه، ج ۲، ۱۹۳۸م).
- ابن تیمیه، *مجموع الفتاوی*، ج ۲۹، (عربستان: مکتبه اسامه بن الزهراء، ۱۴۱۶).
- ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۱، (بیروت: دار صادر، ۱۹۰۰م).
- ابن عابدین، *الدر المختار و حاشیه ابن عابدین*، ج ۴، (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲).
- ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۷، (بیروت: دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴).
- ابن نجیم، *زین الدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق و منحه الخالق و تکمله الطوری*، ج ۵، (قم: دارالکتاب الاسلامی، بی تا).
- الزرقاء، مصطفی احمد، *المدخل الی نظریه الالتزام العام فی الفقه الاسلامی*، (دمشق: دارالقلم، ج ۱، ۱۹۹۹م).
- الزرقاء، مصطفی احمد، *المدخل الفقه العام*، (دمشق: دارالقلم، ج ۱، ۱۹۹۶م).
- الطفیل، سلیمان بن صالح، *الوقف كمصدر اقتصادي*، (مکه مکرمه: لتنبیه المجتمعات الاسلامیه، ۱۴۲۰).
- انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، ج ۶، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵).
- انظون، الیاس، *القاموس العصری*، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، (تهران: اسلامیه، ۱۳۸۴).

- باجی، سلیمان بن خلف، *الحدود فی الاصول*، (دمشق: انتشارات دار الافاق العربیه، ۱۴۲۰).
- برغانی، محمد تقی، *بحر الایمان و معدن الایمان*، (بی جا، بی تا).
- خوئی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، ج ۲ و ۷، (بی جا، بی تا).
- جهشیاری، محمد بن عبدوس، *الوزراء و الکتتاب*، (بیروت: دار الفکر الحدیث، ۱۴۰۸).
- حنفی بغدادی، عبدالعزیز بن محمد، *فقه الملوک و مفتاح الرتاج*، (بغداد: مطبعه الارشاد، ۱۹۷۳م).
- سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، ج ۱۵، (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۴).
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، ج ۶، (قاهره: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۵۸م).
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، *منهاج الصالحین*، ج ۲، (قم: دار الهلال، ج ۸، ۱۴۱۵).
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه المکاسب*، ج ۲، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۴، ۱۳۷۰).
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، (بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵).
- حیدر، علی، *درر الحکام فی شرح مجله الاحکام*، ج ۱، (دمشق: انتشارات دار الجیل، ۱۴۱۱).
- فیروزآبادی، مجدالدین، *القاموس المحیط*، ج ۲، (بیروت: دار العلم، ۱۴۲۶).
- کردعلی، محمد، *خطط الشام*، ج ۵، (دمشق: مکتبه النوری، ج ۳، ۱۴۰۳).
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، *زیده البیان فی احکام القرآن*، (قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج ۱، بی تا).
- نراقی، مولی احمد، *عوائد الایام*، (قم: انتشارات مکتب بصیرتی، ج ۳، ۱۴۰۸).

ج) لاتین

- Gras, Nicolas, *Essai sur les clauses contractuelles*, Thèse pour le doctorat en droit privé, Université d'Auvergne – Clermont Ferrand 1, École de droit. 2014

A) Persian sources

- books

- Holy Quran.
- Annotated form of the deliberations of the Constitutional Review Council (Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. 2009) (In Persian)
- Bashiri, Abbas; Pourrahim, Maryam; Zamani, Jamshid; Rajaei, Behzad and Bagheri, Saeed, *Applied rights of endowment and endowment lands*, (Tehran: Jangal. 2014) (In Persian)

- Dehhoda, Ali Akbar, Dictionary of Dehhoda, (Publications of the Organization of Management and Planning of the country, 2000)(In Persian)
- Emami, Seyyed Hassan, Civil Rights Vol. 1 (Islamic School Publications, 2000)(In Persian))
- Katouzian, Nasser, general rules of contracts C1 and C3 (published in 2008)(In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafseer Sample Vol. 4 (Publications of Amir al-Mominin School, Qom. 2004)(In Persian)
- Moin, Mohammad, Moin Persian Culture (Kitab Parse Publishing House, 1997)(In Persian)
- Omid, Hassan Omid, Farhang Omid, (Amir Kabir Publishing House, 2005 edition)(In Persian)
- Rahe Peik, Hassan, Civil Rights: Certain Contracts, Vol. 1 (1st edition, 2008, Khorsandi Publications(In Persian)) (In Persian)
- Rahe Peik, Hassan, Civil Rights: Law of Contracts (1st edition, Tehran, Khorsandi Publications, 2013) (In Persian)
- Safaei, Seyyed Hossein, General Rules of Contracts (Mizan Publications, 2003) (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Tafsir al-Mizan, Vol. 5, translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani (Al-Mizan Foundation. BTA)(In Persian)

Articles and theses

- Arbitration Center of Iran Chamber of Commerce, Industries and Mines, "Works of Esteghlal Arbitrage Condition", Economy magazine number 30, July (2009)(In Persian)
- Faiz, Alireza, Mosalahat Waqf and some of its conditions, Waqf for Eternal Heritage Quarterly, second year, number 8, (2013.) (In Persian)
- Ilkhanizadeh, Negar, "Regulation of Arbitration Agreement according to Iran's International Commercial Arbitration Law", Bar Association Law Magazine No. 198 and 199 Fall and Winter (2006)(In Persian)
- Reh Paik, Hassan, Shabani Kandsari, Hadi, Saatchi, Ali, The Evolution of the Nature of Aqla in Islamic and Iranian Laws, Judicial Law Perspectives Quarterly, No. 70, Summer 2014. (In Persian)
- Saadat Far, Javad, Feasibility of endowment of money, Endowment of Eternal Heritage Quarterly, 14th year, number 54, (2015.) (In Persian)

- Shabani Kandsari, Hadi, floating collateral in English law and its analysis in the foundations of Iranian law and Imami jurisprudence, master's thesis of the University of Judicial Sciences. (In Persian)

B) Arabic

- Al-Tafail, Suleiman bin Saleh, Al-Waqf Kamsadar Economic (Latnbiyyah Al-Tzabat Al-Islamiyya, Makkah Al-Mukarmah. 1999)(In Arabic)
- Ali Haider, Derr al-Hakam in the commentary of Al-Ahkam magazine, Vol. 1 (Dar al-Jeel Publications, 1990))(In Arabic)
- Ansari, Sheikh Morteza, al-Makasab, Vol. 6 (Al-Fikr al-Islami Council of Qom(2004))(In Arabic)
- Anton, Elias, Al-Qamoos al-Asri, (translated by Seyyed Mustafa Tabatabai), (Tehran: Islamia. (2005))(In Arabic)
- Ebrahim Bek, Ahmad Ahkam Al-Waqf and Al-Mawarith (2nd edition, 1938, Cairo))(In Arabic)
- Baji, Suleiman bin Khalaf, al-Hudud fi al-Asul, (Dar al-Afaq al-Arabiya Publishing House, 1999))(In Arabic)
- Khoi, Seyyed Abulqasem, Masbah al-Faqaha Vol. 2 and 7 (Bija Bita))(In Arabic)
- Firouzabadi, Majeduddin, Al-Qamoos Al-Muhait Vol. 2 (Dar-ul-Alam Al-Beirut 2005))(In Arabic)
- Jahshiri, Muhammad bin Abdus, Al-Wazir and Al-Kitab, (Dar al-Fikr al-Hadith, Beirut, 1987))(In Arabic))(In Arabic)
- Hanafi al-Baghdadi, Abd al-Aziz bin Muhammad, Fiqh al-Muluk and Miftah al-Ratij, (Al-Arshad Press, Baghdad. 1973))(In Arabic)
- Kurd Ali, Muhammad, Al-Sham, Vol 5, (3rd edition of Al-Nuri School of Damascus, 1992).)(In Arabic)
- Ibn Taymiyyah, Majmu' al-Fatawi, Vol. 29 (Usama bin Al-Zahra's school, 1995(In Arabic)
- Ibn Khalqan, Death of Al-Aiyan, Vol. 1, (published by Sadir Beirut, 1900))(In Arabic)
- Ibn Abedin Al-Dur al-Mukhtar and the margin of Ibn Abedin, Vol. 4 (Dar al-Fikr Al-Beirut 1993))(In Arabic)
- Ibn Manzoor, Lasan al-Arab, Vol. 7 (third edition, published in Beirut in 1995).)(In Arabic)
- Ibn Najim, Zain al-Din, Al-Bahr al-Raiq, Commentary on Kanz al-Daqaeq and Manha al-Khaliq and Completion of Al-Thawri, Vol. 5 (Dar al-Kitab al-Islami. B. Ta))(In Arabic)

- Mohaghegh Ardabili, Zubadah al-Bayan fi Haqm al-Qur'an, (Muktabeh al-Mortazawiyya Lahiya al-Ashar al-Jaafariyya, first edition. B.ta)(In Arabic)
- Naraghi, Molly Ahmed, Awaed Al-Ayam (third edition of the Basirati School of Qom, 1997))(In Arabic)
- Sanhuri, Abdul Razzaq Ahmad, Al-Wasit fi Sharh al-Qunun al-Madani al-Jadid, Vol. 6 (Dar al-Ahiya al-Tarath al-Arabi, 1958))(In Arabic)
- Sarkhsi, Al-Mobsut, Vol. 15, (Dar al-Marifah, Beirut, (1993))(In Arabic)
- Tabatabaei Hakim, Sayyed Mohammad Saeed, Minhaj al-Salehin, Vol. 2 (Dar al-Hilal, Qom, 8th edition, (1994))(In Arabic)
- Tabatabaei Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem, Hashieh al-Makasab Vol. 2 (4th edition of the Ismailian Institute of Qom. (1991))(In Arabic)
- Tabarsi, Majam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Vol. 3 (first edition of Beirut Scientific Institute, 1415(.)(In Arabic)
- Zarqa, Mustafa Ahmad, al-Mudkhal to the theory of general obligation in Islamic jurisprudence (first edition of Dar al-Qalam, Damascus, 1999))(In Arabic)
- Zarqa, Mustafa Ahmad, al-Mudkhal al-Fiqh al-Aam, (first edition of Dar al-Qalam, Damascus, 1996)
- Barghani, Mohammad Taghi, Bahr al-Ayman and Mine of Al-Ayman (b.i))(In Arabic)

C) Latin

- Gras, Nicolas, Essai sur les clauses contractuelles, Thèse pour le doctorat en droit privé, Université d'Auvergne – Clermont Ferrand 1, École de droit.2014.

استناد به این مقاله: بهروزی‌زاد، حمیدرضا. (۱۴۰۱). ادله عقد معین پذیره‌نویسی در وقف در فقه و حقوق اسلامی با مطالعه تطبیقی. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۰(۳۹)، ۶۷-۹۲. doi: 10.22054/jplr.2023.61381.2578



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.